



سال چهارم، شماره ۳، پیاپی ۱۲ پاییز ۱۴۰۰

www.qpjjournal.ir



ISSN : 2783-4166

معرفی و بررسی نسخه خطی دیوان درکی قمی با تکیه بر قالب‌های شعری

دکتر محمدرضا معصومی^۱

تاریخ دریافت : ۱۴۰۰/۰۷/۱۹ تاریخ پذیرش نهایی : ۱۴۰۰/۰۹/۲۷

(از ص ۲۶ تا ص ۵۲)

نوع مقاله : پژوهشی



[20.1001.1.27834166.1400.4.3.6.7](https://doi.org/10.1001.1.27834166.1400.4.3.6.7)

چکیده

یکی از شاعران سبک هندی و از مسافران کاروان هند در قرن یازدهم هجری، «ملا محمد امین درکی قمی» است. تذکره‌نویسان وی را شاعری کثیرالشعر معرفی کرده و اشعارش را بین بیست تا سی هزار بیت تخمین زده‌اند. نسخه‌ای خطی از دیوان این شاعر به شماره ۵۱۴۶ در کتابخانه ملی ملک نگهداری می‌شود. این پژوهش که به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی و پس از تصحیح دیوان شاعر انجام شده است به معرفی و بررسی نسخه‌ی مذکور اختصاص دارد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که این نسخه از دیوان درکی قمی، حدود ۶۳۰۰ بیت از اشعار شاعر مشتمل بر قصیده، قطعه، غزل، مثنوی، ترجیع‌بند و ترکیب‌بند را در بر دارد. درکی، مدح بزرگان و مناقب دینی را در قالب قصیده، ماده‌تاریخ‌ها را در قالب قطعه، مضامین عاشقانه را در قالب غزل و ساقی‌نامه‌ی خود را در قالب ترجیع‌بند سروده است. وی شاعری نازک‌خیال و مضمون‌آفرین با زبانی روان و معتدل است. تکرار قافییه و التزام در آوردن ردیف، از ویژگی‌های بارز اشعار ملا درکی قمی است.

واژه‌های کلیدی: دیوان، درکی قمی، قالب شعری، مضمون.

^۱. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران. // Email : masomi2525@gmail.com



۱. مقدمه

در میان سرمایه‌های فرهنگی زبان و ادب فارسی، نسخه‌های خطی از ارزشمندترین و گران‌سنگ‌ترین گنجینه‌هایی هستند که به عنوان میراثی از گذشتگان به یادگار مانده‌اند. معرفی و بررسی و تصحیح این نسخ به شیوه‌های علمی و با هدف استفاده‌ی همگان از محتوای آن‌ها رسالتی است که بر عهده‌ی محققان و مصححان نهاده شده است. با همی تلاش‌های قابل‌تحمینی که در دهه‌های اخیر برای شناسایی و احیای نسخ خطی و تحقیق و تتبع در آن‌ها انجام گرفته است و هزاران کتاب و رساله‌ی ارزشمند، احیاء، تصحیح یا منتشر گردیده است؛ هنوز آثار خطی بسیاری در کتابخانه‌ها موجود است که بررسی و منتشر نشده‌اند. بخش قابل‌توجهی از این گنجینه‌های مکتوب را دیوان‌های شعرا تشکیل می‌دهد. اغلب این دیوان‌ها از نظر ادبی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و حتی تاریخی حائز اهمیت‌اند و همین ارزش‌ها، لزوم تصحیح و نشرشان را تقویت می‌کند. یکی از این دیوان‌های شعری که به صورت نسخه‌ی خطی در کتابخانه‌های داخل ایران نگهداری می‌شود و تاکنون معرفی و منتشر نشده است، دیوان «محمد امین درکی قمی» از شعرای قرن یازدهم هجری قمری است. پژوهش پیش رو به معرفی و بررسی نسخه‌ی خطی دیوان این شاعر اختصاص دارد که به شماره‌ی ۵۱۴۶ در کتابخانه ملی ملک نگهداری می‌شود.

۱-۱. پیشینه پژوهش

بجز شرح حال مختصر و نمونه اشعاری که در تذکره‌ها از درکی قمی آمده است؛ تاکنون تحقیقات دیگری در مورد این شاعر و بررسی دیوان وی انجام نشده است. لازم به ذکر است که نگارنده این پژوهش، ضمن تصحیح دیوان درکی قمی، مقاله دیگری را با عنوان «تحلیل و بررسی برخی بن‌مایه‌ها و شبکه‌های تداعی در شعر درکی قمی» نوشته است و در آن با نگاهی به ویژگی‌های سبکی شعر درکی قمی، به بررسی و تحلیل ده موتیف پرکاربرد در اشعار این شاعر پرداخته است. مقاله مذکور، با کد doi:10.22108/LIAR.2021.130367.2059 در نشریه علمی فنون ادبی دانشگاه اصفهان در انتظار چاپ است.

۱-۲. معرفی شاعر

«ملا درکی قمی» از شاعران سبک هندی در قرن یازدهم هجری است. برخی تذکره‌نویسان وی را معاصر با شاه عباس دوم دانسته‌اند (نک: واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۷۹۶ و مجاهدی، ۱۳۷۰: ۱۳۲) اما با توجه به اینکه حیات وی مقارن با پادشاهی شاه عباس اول (۱۰۳۸-۹۹۶ ه.ق.) و شاه صفی (۱۰۳۸-۱۰۵۲ ه.ق.) نیز بوده است به نظر می‌رسد دوره کمال شاعری یا شهرت وی، در دوره شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷ ه.ق.) رقم خورده است. «درکی» که در قم متولد شده است از بزرگان قم بوده و از علوم رسمی بهره داشته است. وی در جوانی به دکن هند رفته و در ولایت حیدرآباد در سایه‌ی تربیت امیر محمد مؤمن استرآبادی، پیشوای طبقه‌ی قطب‌شاهی‌ی دکن، قرار گرفته است و در سال ۱۰۱۷ ه.ق از دکن به قم بازگشته است. وی در بازگشت از دکن، مدتی را در هرات به سر برده و حسن‌خان



شاملو، بیگلر بیگی خراسان، را ملازمت کرده است (نک: گلچین معانی، ۱۳۶۹: ۴۰۷). «درکی» پس از بازگشت به ایران، یک سال در قم ساکن بوده و در این اثنا به دستور و دعوت ابراهیم عادلشاه، فرمانروای بیجاپور، به دربار وی روی آورده و تا زمان تألیف تذکره‌ی خیرالبیان و دست کم تا ۱۰۲۲ ه.ق. در آن دیار بوده است (نک: کیانی، ۱۳۸۶: ۷۹۴ و ضیایی، ۱۳۸۰: ۱۱۶۵ و ایمان، ۱۳۸۶: ۲۷۳). «درکی» پس از این سفر مجدداً به ایران برگشته و مدتی را در اصفهان گذرانده است. تاریخ دقیق حضور درکی در اصفهان مشخص نیست «اما بر اساس آنکه مؤلف نظم گزیده، درکی را در اصفهان دیده و در تذکره‌ی خود به این دیدار اشاره کرده است حضور درکی در اصفهان باید پیش از تاریخ تألیف این تذکره (۱۰۳۸ ه.ق.) باشد» (عظیمی‌پور، ۱۳۹۲: ۳۳۳). نصرآبادی نیز در تذکره‌ی خویش (۱۰۸۸ ه.ق.)، درکی را از کهنه شاعران درویش طبع می‌داند که در اصفهان چند روزی با او صحبت داشته است (نک: نصرآبادی، ۱۳۷۹: ۳۷۸) اما به زمان این دیدار اشاره نکرده است. قاعدتاً این دیدار بعد از سال ۱۰۲۷ ه.ق. (تولد نصرآبادی) رخ داده است. اواخر عمر «درکی» در قم سپری شده و در سال ۱۰۶۳ ه.ق. از دنیا رفته است، ماده‌تاریخ وفات وی عبارت «درکی از عالم رفت» است (نک: قهرمان، ۱۳۷۸: ۹۲۹ و گلچین معانی، ۱۳۶۸: ۱۶۸).

۱-۲-۱. جایگاه شعری درکی

«درکی» از شعرای صاحب دیوان عصر صفوی است و ابیاتی از او در حدود بیست تذکره مثل خیرالبیان، نصرآبادی، سفینه‌ی خوشگو، ریاض الشعراء، حسینی، آتشکده، مخزن الغرایب، منتخب اللطایف، شمع انجمن، عرفات العاشقین، قصص الخاقانی، نشتر عشق و ... به ثبت رسیده است.

در برخی از منابع، تعداد ابیات دیوان «درکی» از بیست هزار تا سی هزار بیت تخمین زده شده است (نک: صدیق، ۱۳۸۶: ۲۵۵ و آذر بیگدلی، ۱۳۴۰: ۱۲۴۸ و عاشقی، ۱۳۹۱: ۵۷۴ و نصرآبادی، ۱۳۷۸: ۳۷۸ و گلچین معانی، ۱۳۶۹: ۴۰۷).

اظهار نظر تذکره‌نویسان در مورد هنر شاعری «درکی» متفاوت است. اغلب تذکره‌نویسان او را شاعری نازک‌خیال و صاحب طبع و مضامین عالی معرفی کرده‌اند (نک: عاشقی، ۱۳۹۱: ۵۷۴ و اوحدی، ۱۳۸۹: ۱۴۲۹ و خوشگو، ۱۳۸۹: ۲۳۴)؛ عده‌ای، اشعارش را متوسط شمرده‌اند (نک: هاشمی سندیلوی، ۱۳۷۱: ۱۵۸) و «برخی نیز اعتبار چندانی برای وی قائل نشده و وی را شاعری نامراد دانسته‌اند» (عظیمی‌پور، ۱۳۹۲: ۳۳۴ به نقل از ناظم تبریزی، ۲۰۰۹م: ۹۸) اما بررسی اشعار درکی خصوصاً غزلیات وی، نظر گروه اول را تأیید می‌کند و حکایت از آن دارد که درکی قمی از شعرای نازک‌خیال و مضمون‌پرداز عصر صفوی است که اشعار قابل فهم، معتدل و لطیفش او را از پویندگان طرز خیال جدا می‌کند.



۲. بحث اصلی

۲-۱. نسخه‌ی خطی دیوان درکی

این نسخه از دیوان درکی قمی به شماره‌ی ۵۱۴۶ در کتابخانه‌ی ملی ملک نگهداری می‌شود و شامل قصاید، قطعه‌ها، غزلیات، مثنوی‌ها، ترکیب‌بندها، ترجیع‌بندها و ساقی‌نامه‌ی شاعر است. در برخی منابع، این نسخه به عنوان تنها نسخه‌ی موجود از دیوان درکی قمی که حدود ۶۵۰۰ بیت از اشعار این شاعر را در بردارد معرفی شده است^(۱) (نک: خیامپور، ۱۳۶۸: ۲۰۷ و گلچین معانی، ۱۳۶۹: ۴۱۲) اما بررسی دقیق نسخه نشان می‌دهد که تعداد ابیات آن ۶۳۲۷ بیت است.

۲-۱-۱. مشخصات نسخه

جلد رویه‌ی نسخه، می‌شن تریاکی است و متن آن در ۲۴۸ برگ به خط نستعلیق و بر کاغذ ترمه در ابعاد ۱۹/۴×۱۲/۴ کتابت شده و فاقد تاریخ کتابت و نام کاتب است. برخی از صفحات نسخه مجدول است. بسیاری از برگ‌ها، رکابه‌نویسی دارد و صفحات زوج شماره‌گذاری شده‌اند (نک: درایتی، ۱۳۹۱: ۲۶۵). آغاز و انجام نسخه افتادگی دارد. صفحه‌ی اول نسخه جا به جا شده است چون این صفحه شامل ابیات میانی قصیده‌ای در وصف اصفهان است که ابیات آغازین آن در صفحه‌ی چهارم نسخه آمده است:

«باغ بهشت، سبزه‌ی گلزار اصفهان بر گل گرفته نکته خس و خار اصفهان
نزدیک شد ز نرمی خاکش که جای زهر بازهر افکنند ز دهن مار اصفهان
در رشته‌ی کسی ز نسیمش گره نماند گیسوی شانه‌کرده بود کار اصفهان»

غزلیات شاعر از برگ ۵۷ نسخه آغاز شده و در صدر این برگ، عنوان «کتاب شعر» و عبارت «بسم الله الرحمن الرحیم» کتابت شده است.

این نسخه در مقاله‌ی اخیر به عنوان اساس کار تحقیق، بررسی و معرفی گردیده است و از این پس به صورت «دیوان درکی» به کار می‌رود.

۲-۲. مندرجات دیوان درکی

اشعار درکی قمی در این دیوان شامل قالب‌های زیر است:

قالب	قصیده	قطعه	غزل	مثنوی	ترجیع‌بند	ترکیب‌بند
مورد	۲۶	۶۵	۵۸۷	۱	۳	۳
تعداد ابیات	۸۱۳	۷۳۹	۳۸۰۷	۴۹۲	۲۱۷	۲۵۹



۲-۲-۱. قصیده

گرچه دوره‌ی صفوی را عهد غزل و غزلسرایی می‌دانند، ولی در این دوره، قصیده نیز هرچند ناتوانانه، راه خود را می‌پیمود و شعرای قصیده‌سرای این دوره هم دو هدف را در سرودن قصاید خود دنبال می‌کردند؛ هدف اول فراهم کردن ساز و سامان زندگی بود که با سرودن قصاید «مدحی» دنبال می‌شد و هدف دوم کسب ثواب اخروی با پرداختن به باورهای دینی و مذهبی بود و با سرودن قصاید «دینی» و با ستایش و منقبت پیامبر(ص) و ائمه محقق می‌گردید(نک: صفا، ۱۳۷۱: ۶۰۷). درکی قمی نیز به عنوان یکی از شعرای عصر صفوی، در قصاید خود به هر دو مضمون مدح و ستایش توجه داشته است.

۲-۲-۱-۱. قصاید مدحی درکی

«مدح شاهان و سرداران و امیران و وزیران در قصیده‌های مدحی که در سراسر این عهد رواج داشت، سنتی بود دیرین در شعر پارسی و مرده‌ریگی بود از شاعران پیشین ... و مطلبی بود که تازگی نداشت» (همان)؛ و در شعر اکثر شعرای این عصر از جمله درکی قمی دیده می‌شود. هجده قصیده از بیست و شش قصیده‌ی موجود از درکی به «مدح» پادشاه و منسوبین به دربار اعم از وزیر و حاکم و منشی و عالم و شاعر اختصاص دارد. برخی ممدوحان درکی در این قصاید افراد سرشناسی مانند شیخ‌صافی، شاه صفی، حسن‌خان شاملو، میر ابوالقاسم میرفندرسکی، شیخ نورالدین مطهر(شیخ الاسلام هرات) و میرزا ملک مشرقی هستند که شاعر به صراحت از آن‌ها نام برده است و برخی نیز یا نامی از آن‌ها نبرده است و یا مانند «عبدالحق»، «محمدخان» و «ابوالکاسم» کمترشناخته‌شده و گمنامند.

- نمونه‌هایی از مدایح درکی

۱- در مدح شیخ صفی اردبیلی

سر تسلیم و رضا، مرشد دین شیخ‌صافی که به هم ربطده سلسله‌ی شاهان شد
دفتر کشف و کراماتش اگر خواهی خواند نقل آن نسخه حدیثی است که از قرآن شد
(درکی قمی، بی‌تا: ۳)

جز صفی پیر طریقت، مرشد دنیا و دین از که دیگر می‌توان ارشاد خدمت خواستن؟

(همان: ۵۲)

۲- در مدح شاه صفی

قبله‌ی اهل جهان شاه صفی ابن صفی که ز هم‌نامی تو پادشاه دوران شد
اثر تربیت دولت شاه‌عباسی است شاه بسیار، کجا شاه به این سامان شد؟



زینت از زینت اوصاف صفی یافته است درکی این نظم که دیباچه‌ی هر دیوان شد
(همان: ۴)

۳- در مدح میر ابوالقاسم میرفندرسکی
ای به طبع آفتاب عالم‌گیر
میر ابوالقاسم آن که نتوان گفت
پرتوت در جهان ضمیر منیر
جز در آینه‌اش ز عکس نظیر
(همان: ۱۱)

۴- در مدح ملک مشرقی
امیر ملک هنر، میرزا ملک که یود
سخن‌پناه جهان، شمع بزم استعداد
ز فکر، تحفه فرستد تکلمش به کلیم
لبش به ذکر، به یاد ملک دمد اوراد
(همان: ۲۵)

۵- در مدح حسن خان شاملو
به غلط منصب دولت همه کس را ندهند
مرد باید به هنر زینت دوران گردد
هر بزرگی نه سزاوار امیری باشد
خان گرفتم که شود، کی چو حسن‌خان گردد؟
(همان: ۲۰)

۲-۱-۲. قصاید دینی درکی

در دوره‌ی صفویه مقتضیات زمان مثل رسمیت یافتن مذهب تشیع و تشویق پادشاهان به سرودن اشعار در مدح معصومین (ع) موجب شده است تا اغلب شعرای این عصر در مدح و منقبت و مراثی اهل بیت (ع) طبع آزمایی نمایند تا جایی که در این دوره «کمتر شاعری را می‌بینیم که قصیده ساخته و ترکیب و ترجیع پرداخته و ستایش‌نامه‌های مشهوری از پیامبر اسلام و امامان شیعه نداده باشد» (صفا، ۱۳۷۱: ۶۰۷). این رویکرد در دیوان درکی قمی نیز دیده می‌شود و دومین موضوعی که در قصاید وی مطرح شده است ستایش و منقبت ائمه و چهارده معصوم (ع) است. وی پنج قصیده از قصاید خود را به ستایش و توسل به حضرت علی (ع) اختصاص داده است، دو قصیده را در منقبت امام رضا (ع) سروده است و یک قصیده را برای چهارده معصوم (ع) و ذکر نام همه‌ی آن‌ها در این قصیده در نظر گرفته است. درکی، آرزوی زیارت نجف و کربلا را در سر می‌پرورانده و در قصاید خود بدان اشاره کرده است، آرزویی که به نظر می‌رسد تا آخر عمر وی محقق نگردیده است.

- ابیاتی از مناقب درکی

به هفت تخته‌ی آیام ششدر فلکم مگر مدد کندم هشتمین هشت و چهار



امام ضامن ثامن، علی بن موسی
 هلاک گنبد زرین شوم که در جنبش
 بیمار مرده به طوف ضریح و زنده ببر
 اگر نه عرش برین است از چه در اوجش
 که از سجود درش خاک گشته نافیه‌زار
 طلای مهر مطلقاً بود به وقت عیار
 که غیر زنده در این آستان ندارد بار
 ملک به جای کبوتر گرفته است قرار؟

(درکی قمی، بی تا: ۹)

جانشین احمد مرسل علی مرتضی
 آرزوی کربلا دارم که در راه نجف
 زینت لفظ از مدیح پادشاهی چون تو یافت
 کز قبولش بهتر از اعلا بود ادنای من
 جسر بر شط بست درکی چشم طوفان‌زای من
 داخل ذکر ملک خواهد شدن معنای من

(همان: ۴۹)

بیست و شش قصیده‌ی موجود در دیوان درکی که ۸۱۳ بیت از اشعار دیوان وی را شامل می‌شود در پنج بحر عروضی سروده شده است: ۱- بحر رمل مثنی‌مخبون محذوف (۱۱ قصیده) ۲- بحر مجتث مثنی‌مخبون محذوف (۵ قصیده) ۳- بحر مضارع مثنی‌مخرب مکفوف محذوف (۴ قصیده) ۴- بحر رمل مثنی‌مخرب محذوف (۴ قصیده) ۵- بحر خفیف مسدس مخبون (۲ قصیده).

«از اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم به تدریج، زبان غزل در زبان قصیده نیز تأثیر گذاشته و زبان قصاید را از سختی و صلابت به نرمی و لطافت کشانیده است و حتی شیوه‌ی مضمون‌یابی و خیال‌بندی مرسوم در غزل نیز در قصیده راه یافته است» (غلامرضایی، ۱۳۹۱: ۲۳۷). این نرمی و لطافت همراه با سادگی و روانی در قصاید معدود به جامانده از درکی قمی نیز مشهود است. همین سادگی زبان در قصیده موجب شده است تا وی یازده قصیده از قصاید خود را بدون ردیف بسراید و در مابقی نیز خود را به آوردن ردیف‌های دشوار ملزم نسازد و التزام‌های او از اسم‌هایی مثل «اصفهان» و «گوش» و یا فعل‌هایی نظیر «نداخت، گردد، می‌برند، شد، گذشت، نبود و داری» فراتر نرود و در آوردن ردیف‌های دوجزئی به یک قصیده با ردیف «که می‌رس» بسنده نماید.

در قصاید درکی - بجز قصایدی که افتادگی دارند- نغزل یا تشبیب دیده می‌شود و شاعر با مهارت خود و گاه با حسن تخلص به تنه‌ی اصلی قصیده که مدح یا ستایش است وارد می‌شود. طولانی‌ترین قصیده‌ی مدحی درکی، چهل و شش بیت دارد و در مدح شاعر هم‌عصر او «میرزا ملک مشرقی» است و طولانی‌ترین قصیده‌ی دینی وی در شصت بیت و در ستایش و توسل به امام رضا(ع) سروده شده است.

۲-۲-۲. قطعه‌های درکی

قالب دیگری که درکی قمی در آن طبع‌آزمایی نموده، قالب قطعه است. تعداد قطعه‌های دیوان درکی، شصت و پنج مورد است که در ۷۳۹ بیت و پانزده بحر عروضی سروده شده است. این بحور عبارتند از: ۱- بحر رمل مثنی‌



مخبون محذوف (۱۵ قطعه) ۲- بحر مجتث مثنی مخبون محذوف (۱۰ قطعه) ۳- بحر خفیف مسدس مخبون (۱۰ قطعه) ۴- بحر مضارع مثنی اخرج مکفوف محذوف (۷ قطعه) ۵- بحر رمل مثنی محذوف (۷ قطعه) ۶- بحر هزج مسدس محذوف (۴ قطعه) ۷- بحر مضارع مثنی اخرج (۲ قطعه) ۸- بحر رمل مسدس مخبون محذوف (۲ قطعه) ۹- بحر منسرح مثنی مخبون محذوف (۲ قطعه) ۱۰- بحر هزج مثنی سالم (۱ قطعه) ۱۱- بحر منسرح مطوی مکشوف (۱ قطعه) ۱۲- بحر هزج مسدس اخرج مقبوض محذوف (۱ قطعه) ۱۳- بحر متقارب مثنی محذوف (۱ قطعه) ۱۴- بحر رمل مسدس محذوف (۱ قطعه) ۱۵- بحر سریع مطوی مکشوف (۱ قطعه).

درکی، ۲۹ قطعه را بدون ردیف سروده است و در مابقی قطعه‌ها نیز از ردیف‌های فعلی و اسمی ساده نظیر «است، یافت، موج، کج، باشد، من، بس است، شعر، مبارک، آمد او، رسید و ...» استفاده کرده است. بررسی دیوان درکی قمی نشان می‌دهد که قطعه‌های وی به دو موضوع اصلی «مدح» و «ماده تاریخ‌سازی» اختصاص دارد و در موارد معدودی نیز مضامین «اخلاقی» و «تعلیمی» مورد توجه شاعر بوده است.

۲-۲-۱. مدح

درکی در قطعه‌های مدحی، گاه از ممدوحان خویش نامی نبرده است، بنابراین ممدوحان او در این دست از قطعه‌ها نامعلوم‌اند، اما در موارد دیگر به صراحت به ذکر نام ممدوحان پرداخته و از کسانی مثل شاه‌عباس اول صفوی، شاه‌عباس دوم، شاه‌صفی، حسن‌خان شاملو، شاه‌وردیخان و میرزا احمد (وزرای حسن‌خان)، میرمحمد زمان، شیخ‌الاسلام هرات و علیقلی بیگ نام برده است. درکی در این قطعه‌ها، هر مسئله یا موضوعی را بهانه ساخته تا با طرح آن به مدح ممدوح گریز بزند و بعضاً آن را به حسن طلب ختم نماید. وی گاه در صدد است با به تصویر کشیدن زندگی غمبار خود، ترحم ممدوحان حاتم‌صفت را برانگیزد:

ماست می‌گویی، از او نامی به خاطر مانده است سرکه فرمودی مخور، در خانه‌ام آن هم کم است

می‌کنم پرهیز تا کی درکی از هر راحتی از غذا با آنچه عادت بیشتر دارم غم است

(درکی قمی، بی‌تا: ۶۷)

و گاه علت عدم مراجعه به درگاه ممدوح را با حسن تعلیل بیان کند:

ای جنابی که نیم پیش تو در هیچ حساب تا به کی غافل از این بنده‌ی نشمرده شوی

صله‌ی قطعه‌ی من غیر زمین‌بوسی نیست نیستم شاعر دم‌سرد که افسرده شوی

احتیاجم ز همه بیش، و کم آیم پیشت که مبادا به گمان کرم آزرده شوی

(همان: ۹۵)

درکی در قطعه به موضوعات تعلیمی نیز پرداخته است؛ مثلاً در یکی از قطعه‌ها ضمن اشاره به پنجاه‌سالگی خویش، پنج گنج اخلاقی را که حاصل عمر اوست چنین برمی‌شمرد:



پنجاه سال درکی در بر و بحر گشتم
 نخل امیدواری تا کرد عاقبت گل
 راهم ز گوشه‌گیری بر پنج گنج افتاد
 صبر و قناعت و شکر، آگاهی و توکل
 (همان)

۲-۲-۲. ماده تاریخ‌ها

در گذشته، شعرا برای ثبت وقایع مهم شعرهایی می‌ساخته‌اند که در آن‌ها واژه، عبارت یا جمله‌ای، به حساب جمل و محاسبه‌ی ارزش عددی حروف، تاریخ آن رویداد را در برداشته است. اصطلاحاً این نحو تاریخ‌گویی را «ماده تاریخ‌سازی» می‌خوانند و اغلب، آن را به عنوان یکی از ظرافت‌های فنون شعری، جزء صنایع مستظرفه مانند موسیقی و نقاشی می‌دانند (نک: میرصادقی، ۱۳۷۳: ۲۲۷).

«ماده تاریخ‌سازی» که از قرن هفتم هجری به عنوان موضوع تازه‌ای در ادبیات فارسی شیوع یافته بود، در عصر صفوی نیز رواج خود را از دست نداد. شعرای این عهد، مخصوصاً آنهایی که در خدمت صاحبان قدرت به سر می‌بردند، ماده تاریخ‌هایی را به مناسبت‌های گوناگون ساخته‌اند که برخی از آن‌ها شاهکارهای این هنر شاعران به شمار می‌روند. از موضوعات بسیار رایج در ساختن ماده تاریخ، ذکر تاریخ وفات بزرگان علم و ادب، حکما یا رجال معروف است، مخصوصاً شاعران در ساختن ماده تاریخ برای ثبت تاریخ وفات همکاران خود توجه خاص داشته‌اند و با این کار خدمت سودمندی در شناخت تاریخ حیات و ممات آنان کرده‌اند (نک: صفا، ۱۳۷۱: ۶۲۶). علاوه بر این، موضوعات دیگری مثل جلوس امرا و شاهان، انتصاب وزرا، ساختن کاخها، تولد شاهزادگان و بزرگ‌زادگان، ساخت اماکن عام‌المنفعه، تاریخ جنگ‌ها و لشکرکشی‌ها و ... نیز عرصه‌ی هنرنمایی شعرا در این مقوله بوده است. در دیوان درکی قمی نیز این هنر شاعرانه به چشم می‌خورد به نحوی که این شاعر در قطعه‌های خود، بیست و چهار ماده تاریخ ساخته است که در نوع خود قابل توجه و مفیدند و در ادامه به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف. ماده تاریخ وفات میر والهی قمی

«میر یوسف» یا «میر محمد یوسف والهی قمی» از شعرای نامدار قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری قمری و از سادات قم است. وی شاعری توانا، عاشق‌پیشه، موسیقی‌دان و تصنیف‌ساز بوده و تذکره‌نویسان عموماً از انسجام کلام و روانی طبعش سخن رانده‌اند (نک: مجاهدی، ۱۳۷۰: ۳۲۴). برخی منابع وی را از شعرای معاصر شاه طهماسب صفوی (۹۸۴-۹۳۰ ق.) دانسته‌اند (نک: نفیسی، ۱۳۶۳: ۴۵۹). در تذکره‌های مجمع الخواص، هفت اقلیم، شمع انجمن، هفت آسمان، روز روشن، صبح گلشن، حسینی، نشتر عشق، آتشکده‌ی آذر و کتاب تاریخ عالم آرای عباسی از والهی نام برده شده است ولی در این آثار از تاریخ تولد و وفات او خبری نیست. در کتاب خلاصه‌الاشعار آمده است که والهی در سال ۱۰۰۳ ق. به سبب دل‌باختگی به جوانی ترک از طایفه‌ی شاملو، از طرف خویشان آن جوان تنبیه شده و بینی و یک گوش خود را از دست داده است (همان: ۳۲۵)، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که «والهی» تا این سال زنده بوده است. تقی اوحدی در عرفات العاشقین آورده است: «بنده را سه نوبت با ایشان اتفاق صحبت افتاده؛



اول در قم، دوم در عتبات، سوم در عراق، و در هند این خبر شنیده شد که یکبار به جمال حضرت الهی واله گشته، به بقا پیوسته» (اوحدی، ۱۳۶۹: ۴۵۵۸). با توجه به این که سفر تقی اوحدی به قم در سال ۹۹۵ ه.ق. رخ داده است و از سال ۱۰۰۵ تا ۱۰۰۹ ه.ق. به عتبات سفر کرده و چهار سال در نجف اشرف مانده است و در تاریخ یکم رجب ۱۰۱۵ ه.ق. به هندوستان سفر کرده و بین سال‌های ۱۰۲۲ تا ۱۰۲۴ ه.ق. تذکره‌ی عرفات العاشقین را تکمیل نموده است (نک: همان: پنجاه و چهار)، بنابراین خبر فوت والهی بایست بین سال‌های ۱۰۱۵ تا ۱۰۲۴ ه.ق. به اوحدی رسیده باشد. در ریاض الشعرا آمده است که والهی «در سنه‌ی یکهزار و یکصد و شش در حیات بوده» است (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۲۳۷۵). این تاریخ- که به نظر می‌رسد اشتباه باشد- در دانشنامه‌ی ادب فارسی نیز تکرار شده است (نک: معصومی، ۱۳۸۰: ۵۸۱). مؤلف تذکره‌ی خیرالبیان در مورد والهی می‌نویسد: «در شهر سنه‌ی ثمان و عشر و الف عزیمت حج اسلام نمود و شرف زیارت حرمین شریفین دریافته، به وطن مألوف مراجعت نمود و ایامی در آن دیار به گفتن اشعار مشغولی داشت تا در سنه‌ی **عشرین و ألف** از دار فنا رحلت نمود» (کیانی، ۱۳۸۶: ۵۶۰).

ماده تاریخ موجود در دیوان درکی قمی، تاریخ وفات مذکور در خیرالبیان؛ یعنی سال **۱۰۲۰ ه.ق.** را تأیید می‌کند و با گفته‌ی اوحدی در عرفات نیز همخوانی دارد:

واللهی، غافل از این کهنه‌سرا رفت آن صاحب طرز و فن شعر
یافتم رفت چو بر باد اجل سال فوتش ز «گل‌گلشن شعر»
(درکی قمی، بی تا: ۱۰۲)

ب. ماده تاریخ دیدار با میرزا ملک مشرقی

میرزا ملک مشرقی مشهدی از شاعران و منشیان معروف عصر صفوی است. نشو و نمای وی در مشهد بوده و آغاز دوران شاعری خود را در هرات گذرانده است و مدتی را در درگاه حسن خان شاملو- بیگلربیگی خراسان- سپری کرده است. مشرقی بعد از طرد مسیح کاشانی از دربار شاه عباس در سال ۱۰۱۶ ه.ق. از هرات به اصفهان رفته و به سلک منشیان دارالانشای سلطنتی پیوسته است و این مقام را تا اواخر پادشاهی شاه صفی (م. ۱۰۵۲ ه.ق.) حفظ کرده است. مشرقی به هنگام اقامت در هرات از ملازمان خاص حسن خان بوده و با او چون دوستان می‌زیسته است تا جایی که حسن خان پس از مهاجرت وی به اصفهان، غزلی در مفارقتش سروده که یک بیت آن چنین است:

تا مشرقی از کنار من رفت از مشرقم آفتاب رفته

سال وفات مشرقی را مابین سال‌های ۱۰۵۰ ه.ق. تا ۱۰۵۲ ه.ق. دانسته‌اند (نک: صفا، ۱۳۷۱: ۱۱۳۵).

اشعار درکی قمی در مدح مشرقی بیانگر آن است که وی نیز از معاشرت و حمایت مشرقی برخوردار بوده است. ماده تاریخ مندرج در دیوان درکی نشان می‌دهد که او در سال ۱۰۴۹ ه.ق. با مشرقی دیدار کرده و از محضرش بهره جسته است:

پناه اهل هنر میرزا ملک کز حق چو فیض یافت، به او مشرقی خطاب رسید



سزد که احترام از تیرگی برون آید
 از این اقامت نورم کز آفتاب رسید
 دبیر فکر به تاریخ این اقامت گفت
 «قامتی به دعاگو از آن جناب رسید»
 (درکی قمی، بی تا: ۱۱۳)

ج. ماده تاریخ وفات «میر ابوالقاسم»

یکی از حکما و دانشمندان عصر صفوی که در عصر شاه عباس اول و شاه صفی می زیسته، «میر ابوالقاسم» معروف به «میر فندرسکی» است. وی حدود سال ۹۷۰ ه.ق. به دنیا آمده و در سال ۱۰۵۰ ه.ق. در هشتاد سالگی بدرود حیات گفته است. مقام شامخ علمی، وارستگی و منش صوفیانه‌ی «میر ابوالقاسم» موجب شده است تا اغلب تذکره‌نویسان و شعرای هم‌عصر وی، از او به نیکی یاد کنند و او را بستایند (نک: صفا، ۱۳۷۱: ۳۱۰).
 درکی قمی نیز علاوه بر اینکه در یک قصیده‌ی بیست و پنج بیتی به مقام علمی وی اشاره دارد و او را «آفتاب منیر» می‌خواند، یک قطعه‌ی پانزده بیتی را نیز به رثای «میر ابوالقاسم» اختصاص داده است و ماده تاریخ وفاتش را در پایان این قطعه می‌آورد:

از افادت پناه ابوالقاسم	ماتمی سخت در جهان افتاد
دم شاگردیش جهان می‌زد	در فنون علوم بود استاد
شاه‌بیت سفینه‌ی تقوا	منبع و معدن صلاح و سداد
رو خراشید صفحه از ماتم	شد به مرگش سیاه‌پوش مداد
از فرشته‌نهاد می‌جستم	سال فوتش، یکی زیاد افتاد
از نهاد ملک برآمد «آه»	سال تاریخ شد «فرشته نهاد»

د. ماده تاریخ ولادت «میر عبدالحق»

در منابع موجود، از شاعری به نام «میر عبدالحق قمی» فرزند «میر شمس‌الدین وصفی» یاد شده است. وی که از نجبا و سادات قم بوده و دیوان اشعارش را بیش از پانزده هزار بیت دانسته‌اند، با «مشفق قمی» مصاحبت داشته است. میر عبدالحق در سال ۱۰۶۷ ه.ق. وفات یافته و در جوار حضرت معصومه (س) دفن شده است (نک: نصرآبادی: ۱۳۷۹: ۱۶۶ و ۷۳۰؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۶۸۴). شاملو در قصص الخاقانی، مولد عبدالحق را دلیجان می‌داند اما به سال ولادتش اشاره‌ای نمی‌کند (نک: شاملو، ۱۳۷۴: ۱۰۳/۲).

اگر «میر عبدالحق» مذکور در دیوان درکی قمی، همین «میر عبدالحق قمی» باشد، اشعار درکی قمی نشان می‌دهد که وی صوت خوشی نیز داشته است (درکی قمی، بی تا: ۱۸) و در سال ۱۰۰۶ ه.ق. ولادت یافته است:



چمن در اول گل یافت سال تاریخش «نهال گلشن امید، میر عبدالحق»

ه. ماده تاریخ جلوس شاه عباس دوم

شاه عباس دوم در سال ۱۰۵۲ ه.ق. پس از شاه صفی بر جای پدر نشست و تا ۱۰۷۷ ه.ق. حکومت کرده است. ماده تاریخ جلوس وی در دیوان درکی چنین است:

شکر لله که پادشاه جهان به جهان جوانی آمد او...
گفت درکی برای سال جلوس «شاه عباس ثانی آمد او»
(همان: ۱۰۹)

و. ماده تاریخ وقف فرش حرم امام رضا(ع) از طرف حسن خان شاملو

درکی قمی مدتی را در هرات به سر برده و حسن خان شاملو، بیگلر بیگی خراسان، را ملازمت کرده است (نک: گلچین معانی، ۱۳۶۹: ۴۰۷/۱). درکی در دیوان خود علاوه بر مدح حسن خان شاملو، دو بار ماده تاریخی آورده است که سال وقف فرشی از طرف حسن خان برای حرم امام رضا(ع) را نشان می‌دهد. از این ماده تاریخ که سال ۱۰۴۵ ه.ق. را نشان می‌دهد می‌توان به زمان ملازمت درکی و حسن خان شاملو پی برد:

بانی خیرات روزگار، حسن خان کز گل فیضش زمانه خلد برین شد
وقف چو بر روضه کرد، خامه‌ی درکی گفت به تاریخ «فرش کعبه‌ی دین شد»
همچنین:

صدق حسن به اخلاص گسترد تازه فرشی در مشهد مقدس آن قبله‌ی سلاطین...
وقف امام ضامن این فرش گشت و درکی گفتا برای تاریخ «شد فرش کعبه‌ی دین»
(درکی قمی، بی تا: ۱۰۰ و ۱۰۸)

ز. ماده تاریخ ولادت فرزند درکی

در منابعی که به احوال و زندگی درکی قمی پرداخته شده، از خانواده و فرزندان وی سخنی به میان نیامده و اطلاعاتی در این زمینه در دست نیست جز اینکه در نسخه‌ی خطی «تذکره‌ی همیشه بهار» به شماره‌ی ۹۸-ب که در کتابخانه‌ی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود از «حاتم قمی» به عنوان «فرزند ملا درکی» نام برده شده است (نک: درایتی، ۱۳۹۱: ۹۶۵). در میان قطعه‌های دیوان درکی، قطعه‌ای آمده است که شاعر، آن را در ولادت فرزند خود «نورالدین محمد» سروده و تاریخ آن را ۱۰۴۲ ه.ق. نوشته است:

از این مولود، عالم بست آیین جوان شد دین و شرع آراست مسند
پدر تاریخ مولود پسر یافت ز «نور چشم، نورالدین محمد»



(درکی قمی، بی تا: ۷۲)

ماده تاریخ‌های دیوان درکی تنها به ممدوحین اختصاص ندارد بلکه گاهی برای ثبت تاریخ مربوط به افرادی که در نظر شاعر مذموم‌اند نیز ساخته شده است؛ به عنوان مثال می‌توان به ماده تاریخ مرگ قاضی قم در آن زمان اشاره کرد که درکی، وی را فردی ممسک و رشوه‌خوار می‌داند و او را با لقب «پدر فتنه» معرفی می‌کند. درکی وفات این قاضی را با ماده تاریخ «شیخ اسلام» (۴۲: ۱۰۵۱.ق.) نشان داده است (نک: همان: ۹۸).

۲-۲-۳. غزل‌های درکی

«رایج‌ترین و مقبول‌ترین قالب شعری در دوره‌ی صفویه، غزل است. بیشتر غزل‌های این دوره معمولاً حدود شش‌هفت بیت تا پانزده بیت است. اما غزل‌های درازتر نیز در دیوان‌ها هست» (غلامرضایی، ۱۳۹۱: ۲۳۵). درکی قمی نیز توجه خاصی به سرودن غزل داشته است به نحوی که بیشترین قالب و تعداد ابیات دیوان وی را غزل تشکیل می‌دهد. تعداد غزل‌های دیوان درکی ۵۸۷ غزل است که در ۳۸۰۷ بیت سروده شده است. کوتاه‌ترین غزل درکی سه بیت و طولانی‌ترین غزل وی دوازده بیت دارد.

۲-۲-۳-۱. اوزان غزل‌ها

درکی در سرودن غزل از اوزان متنوعی استفاده نموده است که به ترتیب بسامد عبارتند از: بحر رمل مثنی‌مخبون محذوف (۱۵۱ غزل) ۲- بحر مضارع مثنی‌مخرب مکفوف محذوف (۱۰۳ غزل) ۳- بحر مجتث مثنی‌مخبون محذوف (۱۰۰ غزل) ۴- بحر رمل مثنی‌مخرب محذوف (۸۹ غزل) ۵- بحر هزج مثنی‌سالم (۵۳ غزل) ۶- بحر هزج مثنی‌مخرب مکفوف محذوف (۴۷ غزل) ۷- بحر مضارع مثنی‌مخرب (۱۱ غزل) ۸- بحر هزج مسدس محذوف (۸ غزل) ۹- بحر رجز مثنی‌مطوی‌مخبون (۷ غزل) ۱۰- بحر منسرح مطوی مکشوف (۴ غزل) ۱۱- بحر رجز مثنی‌سالم (۴ غزل) ۱۲- بحر رمل مثنی‌مشکول (۳ غزل) ۱۳- بحر هزج مسدس مخرب مقبوض محذوف (۳ غزل) ۱۴- بحر رمل مسدس مخبون محذوف (۲ غزل) ۱۵- بحر متقارب مثنی‌محذوف (۱ غزل) ۱۶- بحر متقارب مثنی‌محذوف (۱ غزل).

۲-۲-۳-۲. ردیف غزل‌ها

استقلال ابیات یا پراکندگی مضامین ابیات از اصول غزل عهد صفوی است؛ به این معنا که «شاعر، تک‌بیتی می‌سازد و آن را در غزلی که مناسب آن بیت باشد قرار می‌دهد» (شمیسا، ۱۳۸۲: ۳۰۰). در این نوع از غزل، آنچه بیشتر مایه‌ی وحدت ابیات می‌شود «ردیف» است تا جایی که شاعر این دوره در بسیاری از موارد خصوصاً در مضمون‌سازی، تابع یا اسیر ردیفی است که برگزیده است. بنابراین سرودن غزل‌های ردیف‌دار، رایج است (نک: غلامرضایی، ۱۳۹۱: ۲۳۵). این خصیصه در غزلیات درکی قمی کاملاً مشهود است. از کل غزل‌های درکی، فقط ۲۸ غزل بدون ردیف است و در ۵۵۹ غزل دیگر از ردیف استفاده شده است.



بررسی ردیف‌های دیوان درکی نشان می‌دهد که ردیف‌های فعلی، بیشترین سهم را در بین ردیف‌ها داراست و ردیف‌های برساخته از اسم، ضمیر، حرف و قید نیز به ترتیب در مرتبه‌های بعد قرار دارند. درکی قمی از ردیف‌های طولانی، کمتر استفاده نموده است اما به نظر می‌رسد خوش‌آهنگ‌بودن ردیف مخصوصاً ردیف‌های فعلی را مد نظر داشته است. برخی از ردیف‌هایی که درکی التزام کرده است عبارتند از: شود پیدا، می‌دهد مرا، خویش را، است امشب، آفتاب، در آب، چه حاجت است، جنگ است، این همه نیست، می‌توان شکست، هست نیست، شکسته است، همه خون است، خوش غالب است، ناخن است، هم خوب است، عبث، صبح، سرخ، تا چه پیش آید، است می‌رسید، سوگند، درد، همان گیرم نبود، تا چه شود، ...کردن عالمی دارد، آخر شد، بیرون می‌کشد، کاغذ، شد لذیذ، چه خبر، هنوز، امروز، ما را بس، مجلس، می‌رقص، حظ، شمع، چراغ، صدف، عشق، فصل گل، خنده‌ی گل، تغافل، خود باشم، ...را آتش زدم، آرزو دارم، تازه کنیم، تو را نازم، شکوه ندارم، شکستیم، آید برون، در چمن، شود روشن، دارد سرو، نبرد راه، ای قمری، نمودی کاشکی، پنداری، خالی.

۲-۳-۳. تکرار قافیه‌ها

تکرار قافیه از ویژگی‌های بارز سبک هندی است که شعرای این سبک چندان به جنبه‌ی زیباشناختی آن توجه نداشته‌اند. این شعرا بر خلاف سنت رایج قرون قبل، نه تنها تکرار قافیه و مطلع را عیب نمی‌شمردند بلکه آن را نوعی قدرت‌نمایی به حساب آورده و از آن به عنوان ابزاری برای تداعی و خلق معانی بهره جسته‌اند؛ به عبارت دیگر «از نظر اینان مبنای استتیک قافیه بیش از آنکه در جنبه‌ی موسیقایی آن باشد، در ابزار تداعی بودن آن است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۱: ۷۲).

درکی قمی نیز در اشعار خویش مخصوصاً در غزل به تکرار قافیه توجه داشته است. در بررسی غزلیات درکی، ۱۰۲ مورد تکرار قافیه در صد غزل به چشم می‌خورد. بجز شش مورد از این قوافی تکراری (پایش، فلک، بادم، کسی، جادویی، مبارکبادی) که مجردند، بقیه‌ی تکرارها با ردیف همراه است. نکته‌ی قابل توجه این است که درکی گاهی در یک غزل، قافیه‌ای واحد را تا سه بار هم تکرار کرده است و گاهی، به تکرار دو قافیه‌ی مختلف در یک غزل پرداخته است، حتی اگر این غزل، غزل کوتاه پنج‌بیتی باشد:

چو شب شود دم گرم از چراغ می‌دزدم	ز کینه‌ی دل عشاق، داغ می‌دزدم
تو دیروعه و من در خیال آمدنت	ز خانه در دل شبها چراغ می‌دزدم ...
ز برق آه تو درکی ز بس که دارم بیم	به شب ز سینه سیاهی داغ می‌دزدم

(درکی قمی، بی‌تا: ۳۷۲)

۲-۳-۴. مضمون غزل‌ها



درکی در غزل‌های خویش به بیان عواطف بشری و مضامینی که حول محور عشق زمینی می‌گردد پرداخته است. در میان این مضامین، گلایه از معشوق، شکایت از روزگار، ناامیدی و یأس، بیان نکات اخلاقی و حکمی و مفاخره بیشتر از موضوعات دیگر به چشم می‌خورد.

الف. شکایت از موطن

درکی بارها از قم و مردم آن گلایه می‌کند و از شعرناشناسی در این شهر داد سخن سر می‌دهد تا جایی که برخی از اشعارش با شهر آشوب پهلو می‌زند. درکی از قم با تعبیری مثل «ده خراب»، «زندان» و «ویران‌شده» یاد می‌کند و در پی آن، دل‌بستگی خود به شهرهای اصفهان، کاشان، شیراز، مشهد و ... را نشان می‌دهد:

درکی، سخن‌سرایی در قم نمی‌پسندند	سودای مشتری بست آخر در دکان را (همان: ۱۴۲)
سخن رواج نیابد به ملک قم درکی	بیا و رخت برون ز این ده خراب انداز (همان: ۳۲۵)
قاصدا با اهل کاشان از زبان ما بگو خاطر درکی به غیر از غم نیندوزد ز قم	شعرنافهمان قم گردند قربان شما یاد آن گلزار فین و شهر کاشان شما (همان: ۱۴۶)
در جهان جایی به عیش گلشن شیراز نیست	می‌روم درکی ز ملک قم که زندان من است (همان: ۱۷۸)
درکی از قم سفری کن مگر از یاری بخت	گم کنم راهی و زان راه به شیراز افتم (همان: ۳۶۹)
فکر دم‌سردی اهل وطنم درکی بود	یاد خون‌گرمی خوبان صفاهانم سوخت (همان: ۲۱۲)
عضوی که به قم درکی از آزار شکستند	کی بسته شود گر به صفاهان نتوان بست (همان: ۱۶۹)
سرمه‌ی شهرتم از نظم سلیمانی شد	قم ویران‌شده را رشک صفاهان کردم (همان: ۳۹۱)



ب. شکوه از بخت

یکی از مضامینی که ریشه در یأس و ناامیدی شاعران سبک هندی دارد و با بسامد بالا (بیش از دویست بیت) در غزلیات درکی نیز آمده است، نالیدن شاعر از طالع بد و بخت ناساز خویش است. مواردی از این مضمون عبارتند از:

خواهی به هند ساز وطن خواه در عراق از پیش کار، طالع وارون نمی‌رود

(همان: ۲۶۱)

علاج بخت چه سازم که چاره درنگرفت مگس به طالع من کام از شکر نگرفت

(همان: ۲۱۸)

گشاد قسمت غیر است و فتح روزی خصم گره به طالع کار من از جبین روید

(همان: ۲۲۳)

از رشته‌ی هر کس که فلک عقده گشاید از طالع درکی، همه در کار من افتد

(همان: ۲۳۸)

درکی از دوست مکن شکوهی ناکامی دل موم را طالع ناساز تو فولاد کند

(همان: ۲۴۶)

گله‌ی مادر طالع برم از مهد به خاک هر سفیدی که کند بخت سیه، شیر من است

(همان: ۱۷۳)

کس ندیدم کز سیه‌بختی به حال من شود نقره گر آرم به کف، از طالعم آهن شود

(همان: ۲۸۱)

ج. حبّ وطن و عدم دلبستگی به هند

همان طور که قبلاً اشاره شد، درکی یکی از مسافران «کاروان هند» است که مدتی از عمر خود را در آن سرزمین گذرانده است. اما اشعار وی نشان می‌دهد که از سفر هند رضایت چندانی نداشته و غم غربت بر دلش سنگینی می‌کرده است. حبّ وطن، تمایل به بازگشت به ایران و عدم وابستگی به سرزمین هند در اشعار زیر مشهود است:

جذبه‌ی حبّ وطن درکی عنانم می‌کشد دل به صد خون جگر از هند برخوادم گرفت

(همان: ۲۱۰)

طوطی کشور خویشم لب جانان آنجاست هوس هند ندارم، شکرستان آنجاست

(همان: ۱۷۷)



ذوق بیرون‌بردن این نیم‌جان خوش غالب است (همان: ۲۱۳)	تا به خاک قم رسانم درکی از هندوستان
هر که را داغ به دل سوخت مرا بر پا سوخت (همان: ۲۱۵)	سفر هند و ره دور و درازش درکی
درکی مگر ز یاد تو هندوستان رود (همان: ۲۵۰)	خوابم ز غصه‌ی غم ایران نمی‌برد
مسافری که چو درکی قلندری داند (همان: ۲۹۱)	ز هند سوی خراسان چو خور جریده رود

د. مفاخره

«در اصطلاح ادب، مفاخره به اشعاری اطلاق می‌شود که شاعر در مراتب فضل و کمال و سخن‌دانی و تخلق به اخلاق حمیده و ملکات فاضله از حیث علو طبع و عزت نفس و شجاعت و سخاوت و امثال آن و احیاناً افتخارات قومی و خانوادگی و به طور خلاصه در شرف و نسب و کمال خویش سروده است» (محمودی، ۱۳۸۹: ۱۱۳). مفاخرات درکی قمی از نوع افتخار به هنر شاعری و شیرینی کلام است تا جایی که شعر خود را مایه‌ی مباحثات عجم بر عرب می‌داند:

شاعر شیرین‌کلامی چون تو از قم برنخواست (درکی قمی، بی‌تا: ۱۹۱)	می‌توانم گفت درکی، کز نظامی تاکنون
نه معجزه نه وحی، بگو این چه کلام است (همان: ۲۱۶)	درکی، به عرب کرده عجم ناز ز نظمت
درکی، زمانه شعر تو را اعتبار کرد (همان: ۲۶۴)	حسرت فلک به نسخه‌ی نظم تو می‌برد
نظمت به کام، طعم شکر می‌دهد مرا (همان: ۱۲۷)	نیشگر است کلک تو درکی مگر که باز
مجمع اهل سخن بی تو صفایی نداشت (همان: ۱۸۰)	فکر تو درکی، به نظم رنگ دگر می‌دهد



ه. مضامین تعلیمی

درکی که در قطعه‌های خویش از قناعت و درویشی و صبر و ... به عنوان گنج یاد کرده بود (نک: همان: ۹۵)، در غزل نیز گاه‌گاه به این فضایل اشاره می‌نماید. وی بارها به درویشی خویش بالیده است و اغراق‌گونه خود را در قناعت چنان سرآمد می‌داند که قناعت هم به نام او قسم می‌خورد:

هر که در شرع هنر خورده به قسمی قسمی من به درویشی و شاهان به فراغت سوگند
بر سر سفره‌ی شاهان که زند دم ز بهشت نام من برده و خورده است قناعت سوگند

(همان: ۲۷۳)

دست دل از نعمت الوان عالم شسته‌ام با قناعت روزگاری شد، تنعم می‌کنم

(همان: ۳۶۴)

و. ثنای اهل بیت (ع)

درکی به عنوان شاعری شیعه، علاوه بر این که در قصاید خویش به مدح اهل بیت (ع) پرداخته است، در غزلیات نیز اگر فرصتی یافته و زمینه‌ای برایش فراهم شده باشد، عشق خود به این بزرگواران را نشان می‌دهد؛ مثال:

اگر برد به فلک طالع‌م که می‌خواهم بر آستانه‌ی مولای هشتمین می‌رم
علی موسی کاظم، رضا که با مهرش اگر به خاک کشم رخت، پاکدین می‌رم
به کربلا و نجف کاش جان دهم درکی چو آرزوی من این است این چنین می‌رم

(همان: ۳۸۲)

۲-۴. مثنوی‌ها

چهارمین قالبی که درکی قمی در آن طبع‌آزمایی نموده است؛ «مثنویات» با ۴۹۲ بیت است. این بخش از دیوان شامل یک مثنوی کامل در بحر رمل و یک مثنوی ناتمام در بحر متقارب و در ۳۴ بیت است. درکی که در سرودن مثنوی زبانی ساده و روان دارد مثنوی نخست را با حمد خداوند آغاز کرده و با یادکرد صور فلکی دوازده‌گانه و تصویرسازی با آن‌ها، به تحمیدیه‌ی خود غنا بخشیده است:

از ره حمد تا شوم آگاه داد کلکم عصای بس‌الله
صانعی که آسمان بود باغش گل خورشید لاله‌ی راغش ...
جدی بر خوان دوستش بریان پیش از عید می‌شود قربان
هر که بر هستیش نشد آگاه همچو دلو اوفتاد در ته چاه



حوت در دجله‌ی ثنائیش گم چون به دریای آسمان، انجم

(همان: ۴۲۲)

درکی پس از حمد خداوند، مثنوی خویش را با نعت پیامبر اکرم(ص)، مدح برخی رجال سیاسی و ادبی عصر خویش، منقبت حضرت معصومه(س) و سلام‌نامه‌ای برای امام رضاع(ع) ادامه می‌دهد. چند بیت وی در مدح حضرت فاطمه‌ی معصومه چنین است:

فاطمه بنت موسی جعفر	خدمتش را فرشته بسته کمر
آن که یک زایر درش فلک است	آستلش حظیره‌ی ملک است
اهل تقصیر در امان آن‌جا	بسته زنجیر کهکشانشان آن‌جا
رحل زیر کتاب بارخدای	همچو بال ملک به وقت دعای
شب ز چرخ آید و شود ناهید	تخته‌ی زیر شمعدان خورشید
آستانش ز بس بدین نمط است	آسمان از دو عرش در غلط است

(همان: ۴۳۶)

۲-۲-۴-۱. حکایت پادشاه و دهقان

درکی قمی که دل خوشی از شهر قم ندارد در این مثنوی نیز به شیوه‌ی تمثیلی حکایتی را بیان می‌کند و احوال خویش و قدرناشناسی حاکم و مردم قم را با این حکایت می‌نمایاند:

گل خودروست قم تهی از بو	شهر قم کی شود به شکوه نکو
ستم شهر قم فراوان است	قصه‌ی پادشاه و دهقان است

(همان: ۴۳۹)

روزگاری دهقانی در باغی سرسبز و دور از شهر زندگی می‌کرد. وی در باغ خود درخت سیبی داشت که میوه‌ی آن زایدالوصف بود. روزی بر حسب اتفاق، پادشاه آن سرزمین که برای شکار به بیرون از شهر آمده بود از اطرافیان خود دور شد؛ راه خود را گم کرد و گذارش به نزدیکی باغ دهقان افتاد. دهقان که پادشاه خسته و تشنه را دید و شناخت در طمع یافتن جاه و مال و دریافت تحفه و صلّه به یاریش شتافت و با یک سبد از بهترین سیب‌های درخت فوق‌الذکر از پادشاه پذیرایی کرد و او را از تشنگی نجات داد. بعد از آن، لشکریان پادشاه که او را می‌جستند از راه رسیدند و پادشاه که با خوردن سیب‌های دهقان از مرگ نجات یافته بود به پاس قدردانی از دهقان، وی را به شهر و کاخ خویش دعوت کرد و به وی وعده‌ی زر داد و رفت. دهقان که سودای صلّه‌ی پادشاه را در سر می‌پروراند به سمت شهر حرکت کرد اما وی نیز در شب راه گم کرد و گذارش به وعده‌گاه دزدان افتاد. از قضا در همان شب،



مأموران والی شهر به کمین‌گاه دزدان حمله و دزدان را دستگیر کردند و دهقان نیز به جرم دزدی و همراه با دزدان به زندان افتاد. پس از گذشت دو سال، پادشاه برای سرکشی به زندان رفت و احوال زندانیان را تک به تک از ایشان پرسید. وقتی نوبت به دهقان رسید و پادشاه علت زندانی شدنش را از او جویا شد، دهقان واقعه را برای پادشاه تعریف کرد. پادشاه که تازه دهقان را شناخته بود از دهقان عذر خواست و دستور داد تا او را آزاد کنند، به خزانه‌ی دربار ببرند و هر آن چه که می‌خواهد به او بدهند. دهقان از بین همه‌ی چیزهایی که در کتابخانه و انبار دربار بود یک جلد قرآن، یک ارّه و یک تبر برداشت. وقتی پادشاه علت انتخاب این سه را از دهقان جویا شد دهقان گفت:

«می‌دهد ارّه‌ام نصیب از باغ که بیرم درخت سیب از باغ
به تبر زان مرا کشید ادراک تا گنم بیخ سیب را از خاک
مصحف از بهر آنکه طفلان را به قسم ره نمایم ایشان را
که اگر زنده بعد من مانند در چمن نخل سیب نشانند
که آنچه بر من ز نخل سیب گذشت واجب است از چنین نصیب گذشت»
(همان: ۴۴۹)

درکی در پایان این حکایت، خود را به دهقان تشبیه می‌کند که سیب کمالات وی موجب شده است در زندان قم اسیر شود:

درکی، آن پیرمرد دهقانم که فکنده است قم به زندانم
خانه و باغ، فضل و حال من است سبد سیب من کمال من است
(همان)

۲-۲-۵. ترجیع‌بندها

قالب دیگری که درکی در آن طبع‌آزمایی کرده است؛ «ترجیع‌بند» است. در دیوان درکی، سه ترجیع‌بند دیده می‌شود؛ اولین ترجیع‌بند که با توجه به ترقیم‌ی برگ آخر آن، افتادگی دارد در پنج بند و ۵۲ بیت سروده شده است. وزن و بیت ترجیع این ترجیع‌بند نشان می‌دهد که درکی به ترجیع‌بند معروف سعدی نظر داشته است. چند بیت از این ترجیع‌بند عاشقانه چنین است:

ای دل ز سرشک گر به دردی کم خور غم طفل هرزه‌گردی
صد نسخه نوشت گل که دارد از دفتر خوبی تو فردی ...
ما ناله کنیم و او تغافل داریم به آسمان نبردی
با احترام آسمان چه سازد در شش‌دردی اوفتاده مردی



ماییم که از هزار بازی یک بار نبرده‌ایم نردی
جز صبر علاج دیگرم نیست مهمان دلم شده است دردی
بنشینم و خوی لاله گیرم
از داغ به کف پیاله گیرم

(همان: ۴۶۲)

ترجیع‌بند دوم در هفت بند و در سوگ کاملی کاشانی سروده شده است. «کامل یا کاملای کاشانی از جمله شعرا و ادبای بنام کاشان در قرن یازدهم هجری است. عده‌ای از تذکره‌نویسان او را خواهرزاده‌ی میر تقی‌الدین کاشانی مشهور به «میر تذکره» دانسته و عده‌ای او را خواهرزاده‌ی تقی اوحدی دانسته‌اند» (عاطفی، ۱۳۸۱: ۱۷۸/۱). اشعار درکی قمی بیانگر آن است که وی با «کاملی» دوستی داشته و به این دوستی پشتگرم بوده است:

«مفرّح غم درکی است یار نکته‌شناس خوشم ز قم که به کاشان چو کاملی دارم»
(درکی قمی، بی‌تا: ۳۶۰)

درکی در این ترجیع‌بند، سال ۱۰۳۴ ه.ق. را به عنوان تاریخ وفات کاملی ثبت کرده است:

«کاملا رفت و انتظار گذاشت مُرد و صد داغ یادگار گذاشت
نوجوان رخت زیر خاک کشید جامه گل اول بهار گذاشت ...
خبر فوت ماه کنعان است
چار دیوار مصر زندان است
بست از نظم و نثر عالم را همچو بازار آسمان‌آیین
سال تاریخش از خرد جُستم گفت «مأوای او بهشت برین»
(همان: ۴۶۳-۴۶۹)

سومین ترجیع‌بند درکی، ساقی‌نامه‌ی این شاعر است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

۲-۲-۵-۱. ساقی‌نامه‌ی درکی قمی

یکی از انواع پرپسامد شعر غنایی، ساقی‌نامه است که قدیمی‌ترین آن را به فخرالدین اسعد گرگانی نسبت داده‌اند (نک: محجوب، ۱۳۳۹: ۶۹-۷۹) و از شعرای بزرگی مثل نظامی گنجوی، خواجه کرمانی، امیرخسرو دهلوی، جامی و ... به عنوان سراینندگان آن نام برده‌اند. «از سده‌ی دهم به بعد، این قسم از شعر رواج بیشتری یافت و ساقی‌نامه‌سازی از رکن‌های اصلی شاعری و ساقی‌نامه از انواع مهم و معتبر شعر شمرده شد و کمتر کسی از



شاعران بزرگ و کوچک را می‌شناسیم که در این راه طبع‌آزمایی نکرده و ساقی‌نامه‌ای به استقلال و یا جزو منظومه‌ای ... ترتیب نداده باشد» (صفا، ۱۳۷۱: ۶۱۹).

ساقی‌نامه‌ها را از نظر قالب می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: یکی ساقی‌نامه‌هایی که در قالب مثنوی و به بحر متقارب مثنی مقصور یا محذوف سروده شده‌اند و در حقیقت، همان ساقی‌نامه در معنی مشهور و متداول آن است و دیگری ساقی‌نامه‌هایی که به صورت ترکیب‌بند یا ترجیع‌بند و عادتاً در بحر هزج مثنی محذوف سروده شده‌اند و از قرن دهم به بعد دیده می‌شوند. ذبیح‌الله صفا معتقد است که نخستین ترجیع‌بند را که به ساقی‌نامه مشهور است، فخرالدین عراقی در بحر هزج مسدس اخب مقبوض محذوف سروده است و همین ترجیع‌بند مورد توجه شاعران بعد از عراقی قرار گرفته است. مطالبی که در این نوع از ساقی‌نامه‌ها می‌آید از همان سنخ ساقی‌نامه‌های دسته‌ی اول است گرچه آن عمق و آزادی در بیان اندیشه‌های متنوع را ندارد. این ساقی‌نامه‌ها در بعضی موارد به مدح و ستایش ائمه و پیشوایان دین یا مدح پادشاهان، امرا و رجال سیاسی ختم می‌شود (نک: همان: ۶۱۷-۶۲۱).

درکی قمی نیز ساقی‌نامه‌ی هفتاد و دو بیتی خود را در قالب ترجیع‌بند و با ترجیع زیر سروده است:

ما طرح‌کش بار سبوی می‌نابیم در می‌کده از خانه به‌دوشان شرابیم

(درکی قمی، بی‌تا: ۴۷۰-۴۷۵)

این ساقی‌نامه در تذکره‌ی پیمانان و به نقل از سفینه‌ی شماره‌ی ۹۲۵ کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی با تاریخ کتابت ۱۰۷۳ ق. نیز آمده است (نک: گلچین معانی، ۱۳۶۸: ۱۶۸-۱۷۲) اما مقایسه‌ی آن با ساقی‌نامه‌ی مندرج در دیوان درکی نشان می‌دهد که هشت بیت از ابیات این ساقی‌نامه در تذکره‌ی پیمانان وجود ندارد؛ این ابیات عبارتند از:

بند دوم، بیت پنجم:

گر پادشه آرایش از آن شیشه کند بزم صد رنگ گل از گوشه‌ی اورنگ برآرد

بند چهارم، ابیات پنجم، نهم و دهم:

می‌گر ز نبات و عرق از قند چکیده است خاصیت لای می‌انگور ندارد

در آب و هوای چمن فیض خورد گل شهد مگس ما همه زنبور ندارد

تضمین کنم از گفته‌ی خود بهر تو ساقی بیتی که گمان فکر به شاپور ندارد

بند پنجم، بیت پنجم:

در کوی خرابات ز بی‌نام و نشانی شهرت کنم و در همه جا نام برآرم



بند هفتم، ابیات چهارم، نهم و دوازدهم:

گر صاحب سیف و قلمت دیده‌وری خواند
 گلشن کنی از شعر بیاض همه عالم
 روشن ز خط سبز سواد اهل زمن را
 درکی به دعا ختم توان کرد سخن را
 (درکی قمی، بی‌تا: ۴۷۱-۴۷۵)

همچنین به کمک ساقی‌نامه‌ی مندرج در دیوان درکی، می‌توان افتادگی واژه‌ی «فطن» را که در یکی از ابیات مندرج در تذکره‌ی پیمانانه وجود دارد تصحیح نمود:

«نبود به قماش کرمت هیچ سخایی
 منسوخ به آوازه هری کرد [فطن] را»
 (گلچین معانی، ۱۳۶۸: ۱۷۲)

درکی قمی، ساقی‌نامه‌ی خویش را با خطاب به ساقی آغاز می‌کند و سپس به وصف شراب و طلب آن می‌پردازد. درکی، ساقی و شاهد را یکی می‌داند و او را به فریادرسی می‌خواند تا با ستاندن ساغری از دستش، از منت گیتی رها شود. وی زاهد را که در غم نان اسیر است مورد خطاب قرار می‌دهد؛ از طعنه‌ی او بیم ندارد و ننگ زیستن در جمع رندان را بر بدنامی زهد ترجیح می‌دهد. درکی که بار غم ایام بر دوشش سنگینی می‌کند و از ستم فلک، رنجور است؛ از دست گرسنه‌چشمان روزگار به سایه‌ی دیوار خُم پناه می‌برد. حافظ‌گونه، توبه از حضور در مجلس می‌را ناشدنی می‌داند و آن را حدیث مهتاب و کتان می‌خواند؛ گویی در صدد است تا انتقام ناکامی‌های خود را از روزگار و کامگاران آن بدین‌سان بستاند. در نهایت نیز به زیبایی به مدح ممدوح خود، «حسن‌خان شاملو» (بیگلر بیگی خراسان) می‌پردازد؛ وی را دیباچه‌ی کمالات می‌نامد و هنرها و خصایل او از جمله خط خوش، شاعری، سخاوت و شجاعتش را اغراق‌گونه می‌ستاید.

۲-۲-۶. ترکیب‌بندها

آخرین قالب شعری دیوان درکی، ترکیب‌بندهای اوست. درکی، ترکیب‌بند اول را در زمان سکونت خویش در خراسان و در مدح یکی از خان‌های آن دیار به نام «عرب‌خان» سروده است. اغراق در مدح، بارزترین خصیصه‌ی این ترکیب‌بند است؛ به عنوان مثال:

مهر با ماه دهد وعده‌ی شبگیر بلند
 تا تو را پیش‌تر از روز کند استقبال
 بر فلک بس که شمارد ورق وصف تو را
 هر سر ماه شود سوده سرانگشت هلال
 آسمان گرد سر بخت بلندت گردد
 مه نو در طلب سمّ سمندت گردد
 (درکی قمی، بی‌تا: ۴۷۸)



ترکیب‌بند دوم در دوازده بند و به تقلید از ترکیب‌بند محتشم کاشانی در رثای امام حسین(ع) و شهدای کربلاست:

کاین تشنه بر کناره‌ی جیحون حسین توست	این خضر راه بادیه‌ی خون حسین توست
این صید جرگه‌کرده به هر سو دوان که هست؟	دشمن ز مور در پیش افزون، حسین توست
این تشنه‌لب غریب بیابان کربلا	کز گریه دجله ساخته هامون حسین توست ...

(همان: ۴۸۶)

و بالاخره ترکیب بند سوم در نه بند و در سوگ فرزند شاعر سروده شده است. از مفاد این ترکیب‌بند چنین برمی‌آید که درکی پسری به نام «عبدالنبی» داشته که در سه‌سالگی فوت کرده و در آن زمان تنها فرزند شاعر بوده است:

دردا که غنچه ناشده گلشن به باد رفت	عبدالنبی سرود دل من به باد رفت...
یک نخل در میله‌ی صد باغ داشتیم	باد فنا وزید و همین نخل ما شکست...
گفتم پسریه جای پدر باشدم، نملند	جز من نشد دو بار به یک عمر کس یتیم

(همان: ۴۸۹-۴۹۶)

۳. نتیجه‌گیری

نسخه‌ی خطی دیوان ملا درکی قمی (۱۰۶۳ ه.ق.) که به شماره‌ی ۵۱۴۶ در کتابخانه ملی ملک نگهداری می‌شود نشان می‌دهد که این شاعر کمتر شناخته‌شده‌ی سبک هندی در قالب‌های قصیده، قطعه، غزل، مثنوی، ترجیع‌بند و ترکیب‌بند طبع‌آزمایی کرده است. این نسخه از دیوان شاعر مشتمل بر ۶۳۲۷ بیت است. بیشترین اشعار درکی در قالب غزل است. قصاید و قطعه‌های مدحی او در مدح شاهان صفوی مثل شاه‌صفی، شاه عباس اول و دوم و بزرگانی چون شیخ صفی اردبیلی، ابوالقاسم فندرسکی، میرزا ملک مشرقی، حسن خان شاملو و ... است. اشعار دینی درکی در منقبت چهارده معصوم مخصوصاً حضرت علی(ع) و امام رضا(ع) است. درکی قمی برای ثبت وقایع تاریخی از ماده‌تاریخ‌سازی بهره برده و ده‌ها واقعه را به این شیوه ضبط نموده است. وی بر سرودن غزل‌های ردیف‌دار تأکید دارد تا جایی که ۹۵ درصد از غزلیات وی دارای ردیف است و ردیف‌های فعلی بیشترین سهم را در این میان داراست. تکرار قافیه نیز در صد غزل از غزلیات شاعر دیده می‌شود. از درون‌مایه‌های قابل توجه در غزلیات درکی، شکایت از موطن، دلسردی و شکوه از بخت است. درکی حکایتی تمثیلی با عنوان «پادشاه و دهقان» را در قالب مثنوی و برای بیان احوال خود و شکایت از موطن خویش آورده است. نام درکی قمی در تذکره‌ی پیمانه در زمره‌ی ساقی‌نامه‌سرایان آمده است. این ساقی‌نامه که در قالب ترجیع‌بند سروده شده است؛ در این نسخه از دیوان درکی آمده است و به علت کامل بودن ابیات، به تصحیح ساقی‌نامه‌ی درکی در تذکره‌ی پیمانه کمک شایانی می‌نماید. درکی در ساقی‌نامه‌ی خود به مدح حسن خان شاملو (بیگلربیگی خراسان) پرداخته است. یکی از ترکیب‌بندهای درکی



قمی در رثای امام حسین (ع) و به استقبال از ترکیب‌بند معروف محتشم کاشانی است. اشعار درکی قمی در این نسخه از دیوان که مشتمل بر انواع قالب‌های شعری است بیانگر آن است که پیچیدگی و ابهام‌آمیز بودن شعر شعرای طرز خیال سبک هندی در اشعار درکی دیده نمی‌شود.

یادداشت‌ها

۱- در فهرست نسخ خطی از دو نسخه‌ی دیگر دیوان درکی نیز نام برده شده است. یکی از آن‌ها جنگ شماره‌ی ۹۰۸۷/۵۶ متعلق به کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی است که تنها شش بیت از اشعار درکی در آن دیده می‌شود و دیگری نسخه‌ی شماره‌ی ۱۸۷۲۱ متعلق به کتابخانه ملی ایران است که با نام «دیوان مخمسات» درکی ثبت شده است اما شامل غزلیات و رباعیات درکی نیز می‌شود (نک: درایتی، ۱۳۸۵: ۱۵۸/۵؛ همو، ۱۳۹۱: ۱۵/۲۶۵).

تشکر و قدردانی

این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی شماره ۱۲۰۹۵۰۸۲۲۰۰۱۰ با عنوان «تصحیح دیوان درکی قمی» است که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج اجرا شده است. نویسنده بر خود لازم می‌داند از مسئولین محترم حوزه معاونت پژوهش و فناوری این دانشگاه به پاس همکاری و پشتیبانی از اجرای این طرح تشکر و قدردانی نماید.





منابع

- آذر بیگدلی، لطفعلی بیگ بن آقاخان شاملو. (۱۳۴۰). *آتشکده آذر*، ج ۳. با تصحیح حسن سادات ناصری. تهران: امیرکبیر
- آقابزرگ تهرانی. (۱۴۰۳ ق.). *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، ج ۹. بیروت: دارالاضواء.
- اوحدی حسینی دقاقی بلیانی اصفهانی، تقی‌الدین محمد. (۱۳۸۹). *عرفات العاشقین و عرصات العارفین*، ج ۳. تصحیح ذبیح‌الله صاحبکاری و آمنه فخر احمد. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب و کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ایمان، رحم علیخان. (۱۳۸۶). *منتخب الطایف*، ج ۱. تصحیح مهدی علیزاده. تهران: طهوری.
- خیام‌پور، عبدالرسول. (۱۳۶۸). *فرهنگ سخنوران*، ج ۱. تهران: طلایه.
- درایتی، مصطفی. (۱۳۸۵). *فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)*، ج ۵. تهران: مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- درایتی، مصطفی. (۱۳۹۱). *فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)*، ج ۱۵ و ۷. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- درکی قمی، محمد امین. (بی‌تا). *دیوان*، نسخه‌ی خطی شماره‌ی ۵۱۴۶. تهران: کتابخانه‌ی ملی ملک.
- شاملو، ولی قلی بن داود. (۱۳۷۴). *قصص الخاقانی*، تصحیح سید حسن سادات ناصری. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۱). *شاعر آینه‌ها؛ بررسی سبک هندی و شعر بیدل*، تهران: آگاه.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۲). *سبک‌شناسی شعر*، تهران: فردوس.
- صدیق حسن خان بهادر، محمد صدیق. (۱۳۸۶). *تذکره‌ی شمع انجمن*، تصحیح محمد کاظم کهدویی. یزد: انتشارات دانشگاه یزد.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۱). *تاریخ ادبیات در ایران*، ج ۵. تهران: فردوس.
- ضیایی، مهرداد. (۱۳۸۰). «میر محمد مؤمن استرآبادی»، *دانشنامه‌ی ادب فارسی*، ج ۴. به سرپرستی حسن انوشه. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- عاشقی عظیم‌آبادی، حسینقلی خان. (۱۳۹۱). *تذکره‌ی نشتر عشق*، ج ۱ الف. تصحیح سید کمال حاج سیدجوادی. تهران: میراث مکتوب.
- عاطفی، افشین. (۱۳۸۱). *بزرگان کاشان*، قم: انتشارات افق فردا و مرسل.



- عظیمی‌پور، نسیم. (۱۳۹۲). «درکی قمی»، *دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره*. ج ۳. به سرپرستی علی مؤذنی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- غلامرضایی، محمد. (۱۳۹۱). *سبک‌شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو*. تهران: جامی.
- قهرمان، محمد. (۱۳۷۸). *صیادان معنی*. تهران: امیرکبیر.
- کیانی، ملک‌شاه حسینی. (۱۳۸۶). *تذکره‌ی خیرالبیان*. ج ۲. تصحیح عبدالعلی اویسی، رساله‌ی دکتری، دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه اصفهان.
- گلچین معانی، احمد. (۱۳۶۸). *تذکره‌ی پیمانہ*. تهران: انتشارات کتابخانه‌ی سنایی.
- گلچین معانی، احمد. (۱۳۶۹). *کاروان هند*. ج ۱. مشهد: آستان قدس رضوی.
- مجاهدی، محمدعلی. (۱۳۷۰). *تذکره‌ی سخنوران قم*. قم: انتشارات هجرت.
- محبوب، محمدجعفر. (۱۳۳۹). «ساقی‌نامه - مغنی‌نامه»، *مجله‌ی سخن*. سال ۱۱. صص ۶۹-۷۹.
- محمودی، مریم. (۱۳۸۹). «مفاخره در شعر رودکی»، *مجله‌ی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا*. سال ۱، شماره‌ی ۲، صص ۱۲۲-۱۱۳.
- معصومی، بهرام. (۱۳۸۰). «والهی قمی»، *دانشنامه‌ی ادب فارسی*. ج ۵. به سرپرستی حسن انوشه. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- میرصادقی، میمنت. (۱۳۷۳). *واژه‌نامه‌ی هنر شاعری: فرهنگ تفصیلی اصلاحات فن شعر و سبک‌ها و مکتب‌های آن*. تهران: کتاب مهناز.
- نصرآبادی، محمدطاهر. (۱۳۷۹). *تذکره‌ی نصرآبادی*. ج ۱. به کوشش احمد مدقق یزدی. یزد: انتشارات دانشگاه یزد.
- نفیزی، سعید. (۱۳۶۳). *تاریخ نظم و نثر*. ج ۱. تهران: فروغی.
- واله داغستانی، علیقلی بن محمد علی. (۱۳۸۴). *تذکره‌ی ریاض الشعراء*. ج ۱ و ۴. تصحیح محسن ناجی نصرآبادی. تهران: اساطیر.
- هاشمی سندیلوی، احمد علی خان. (۱۳۷۱). *تذکره‌ی مخزن الغرایب*. ج ۲. به اهتمام محمدباقر. لاهور: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.



An Introduction and review of a manuscript of Divan of Darki-ye qomi with an emphasis on poetic forms

Mohammadreza masoumi¹

Abstract

One of the poets belonging to the Indian School of Persian poetry in the 17th and 18th centuries is Molla Mohammad Amin Darki-ye qomi. Biographers have reported on him as a poet with lots of verses including some 20 to 30 thousand couplets. A manuscript copy of his Divan is kept with Malek National Library, registered under No. 5146. The present study, as a descriptive-analytical research, was conducted following a correction of the poet's Divan and dealt with introducing and reviewing the said-above manuscript. The findings indicate that the manuscript in question included some 6300 couplets of Darki-ye qomi's Divan in such poetic forms as *Qasideh*(ode), *Qet'eh*(fragment), *Ghazal*(sonnet), *Masnavi*(couplet-poem), *Tarji'band* and *Tarkibband*(refrain). Darki has versified admirations of great figures and religious personalities into *Qasidehs*, chronograms into *Qet'ehs*, lyric themes into *Ghazals*, and Saghinameh into *Tarji'bands*. He was a creative poet in terms of imagination and theme generation with a moderate and fluent style. A typical characteristic of Darki-ye qomi's poems is the repetition of rhymes and a high probability of employing radifs.

Keywords: Divan, Darki-ye qomi, poetic forms, themes.

¹ . Persian Language and Literature Department, Yasooj Branch, Islamic Azad University, Yasooj, Iran.
//Email : masomi2525@gmail.com